ای ثابتان بر ميثاق جناب زائر ذکر هر يک از شما را نمودند…

حضرت عبدالبهاء

Original English



## ٢٢١

ای ثابتان بر ميثاق جناب زائر ذکر هر يک از شما را نمودند و رجای نامه‌های منفرداً فرمودند ولی اين آواره صحرای محبّت اللّه را هزاران مشاغل و شواغل مانع و حائل و مکاتيب از مشارق و مغارب چون سيل سائل و جيش صائل با وجود اين بهر يک منفرداً تحرير نامه مستحيل لهذا خطاباً بکلّ اين مکتوب مرقوم ميگردد تا مانند رحيق مختوم قلوبرا نشئه بخشد و روح را فرح و انبساط ابذال دارد.

ای ياران ثابت فيض الهی مانند باران بهاری بعالم انسانی افاضه نموده و پرتو نور مبين روی زمينرا رشک بهشت برين کرده ولی افسوس که کوران محروم و غافلان مهجور و افسرده‌گان مأيوس و پژمرده‌گان مخمود و اين فيض بی‌پايان مانند سيل روان بمصدر اصلی دريای پنهان راجع مگر نفوس قليله نصيبی ميبرند و اشخاص معدوده بهره ميگيرند تا چه کند قوّت بازوی دوست.

اميد است که در مستقبل خفتگان بيدار شوند و غافلان هوشيار گردند و محرومان محرم اسرار گردند حال بايد ياران بدل و جان سعی بليغ نمايند و جهد شديد مبذول دارند تا بنيان بيگانگی بر افتد و انوار وحدت انسانی يگانگی بخشد.

امروز اهمّ امور اتّحاد و اتّفاق احبّای الهی است که با يک ديگر يک دل و يک جان شوند تا توانند مقاومت خصومت اهل عالم کنند و تعصّبات جاهليّه ملل و مذاهب را ازاله نمايند هر فردی از افراد بشر را تفهيم نمايند که کل بار يک داريد و برگ يک شاخسار.

ولی تا نفس احبّا اتّحاد و اتّفاق کلّی نيابند چگونه توانند که احزاب سائره را باتّحاد و اتّفاق بخوانند
 جان نايافته از هستی بخش کی تواند که شود هستی بخش

در کائنات خارجه تفکّر کنيد تا عبرت حاصل شود سحاب متفرّق فيض باران ندارد و دراندک مدّت متلاشی شود گله پراکنده در تحت تسلّط گرگ افتد طيور متفرّقه بچنگ باز مبتلا شود چه برهانی اعظم از اين که اتّحاد و اتّفاق سبب ترقّی و حياتست و اختلاف و افتراق مورث ذلّت و هوان و اعظم اسباب خذلان و خسران.

مظاهر مقدّسه الهيّه بجهت ظهور وحدت انسانی مبعوث شده‌اند و تحمّل صد هزارمشقّت و بلا نموده‌اند تا جمعی از بشر احزاب مختلفه در ظلّ کلمة اللّه مجتمع و متّحد گشته وحدت عالم انسانی را در نهايت حلاوت و لطافت و ملاحت در عرصه وجود جلوه دهند پس بايد ياران الهی را آرزو چنان باشد که عموم بشر را متّحد و متّفق نمايند تا از اين صهبای طهور و کأس مزاجها کافور نصيب موفور برند ملل مختلفه را متّحد نمايند و شعوب و قبائل متقاتله را متحابّه کنند اسيران نفس و هوی را آزاد نمايند و محرومان را محرم اسرار فرمايند بی‌نصيبانرا بهره از موهبت ايّام بخشند و فاقدان را بر گنج روان هدايت کنند و اين موهبت بگفتار و رفتار و کردار ملکوت اسرار ممکن است و بدون آن مستحيل.

تأييدات الهيّه کافل اين مواهب است و فيوضات قدسيّه واهب اين رغائب ياران الهی از ملکوت رحمان مؤيّد و بجيوش هدايت کبری موفّق لهذا هر صعبی آسان شود و هر مشکلی بنهايت سهولت انجام جويد.

ملاحظه نمائيد چون اتّحاد و اتّفاق در ميان خاندانی واقع شود چه قدر امور سهل و آسان گردد و چه قدر ترقّی و علويّت حاصل شود امور منتظم گردد و راحت و آسايش ميسّر شود خاندان محفوظ ماند مقام محفوظ شود سبب غبطه عموم گردد و روز بروز بر علويّت و عزّت ابديّه بيفزايد و چون اين دائره اندکی اتّساع يابد يعنی اهل قريه ئی بمحبّت و اتّحاد پردازند و الفت و يگانگی خواهند و مؤانست و مهربانی کنند چه قدر ترقّی نمايند و چگونه محفوظ و مصون گردند پس اين دائره را اندکی واسعتر نمائيم يعنی اهل مدينه ئی بتمامها اگر روابط اتّحاد و اتّفاق را محکم سازند در اندک زمانی چه قدر ترقّی نمايند و بچه قدرت و قوّتی تجلّی فرمايند و چون دائره اتّحاد بيشتر اتّساع يابد يعنی اهل اقليمی قلب سليم يابند و بصميم دل و جان اتّحاد و اتّفاق جويند و بايک ديگر مهربان گردند آن اقليم سعادت ابديّه يابد و عزّت سرمديه جويد و بثروت کليّه رسد و راحت و نعمت موفوره يابد.

حال ملاحظه نمائيد که اگر جمهورطوائف و احزاب و قبائل و تمام دول و ملل و جميع اقاليم عالم در ظلّ خيمهء يک رنگ وحدت عالم انسانی آيد و باشراقات شمس حقيقت اعلان عموميّت بشر فرمايند جميع ملل و مذاهب دست در آغوش يک ديگر کنند و انجمن عمومی تأسيس نمايند و افراد بشر را با يکديگر نهايت ارتباط بخشند آنوقت چگونه خواهد شد شبهه نيست که دلبر رحمانی با جنود مواهب عالم انسانی و تأييدات ربّانی در نهايت صباحت و ملاحت در انجمن عالم جلوه نمايد.

پس ای ياران الهی تا توانيد بر اتّحاد و اتّفاق با يکديگر کوشيد زيرا کلّ قطرات يک بحريد و اوراق يک شجر و لئالی يک صدف و گل و رياحين يک رياض پس ازآن در تأليف قلوب سائر اديان بيکديگر جانفشانی نمائيد.

و با هرفردی از افراد انسانی نهايت مهربانی کنيد نفسی را بيگانه نخوانيد و شخصيرا بدخواه مشمريد چنان رفتار نمائيد که جميع خلق خويش و پيوندند و آشنا و ارجمند چنان سلوک نمائيد که اين جهان فانی نورانی گردد و اين گلخن ظلمانی گلشن رحمانی شود اين است وصيّت عبدالبهآء اين است نصيحت اينعبد بی‌نوا و عليکم البهآء الأبهی \*